خاطره و تاریخ شفاهی

کاظمی، محسن

علمی‌شدن و روشمندشدن تاریخ شفاهی، رشته‌ای را پدید آورده است که در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی به‌کار می‌آید و یا از آنها بهره می‌برد. این رشته درواقع بر پایه استخراج و تنظیم و تحلیل خاطرات به‌وجود آمده است. خاطرات علاوه بر تاریخ شفاهی، می‌توانند منبعی برای ادبیات و هنر نیز به‌حساب آیند. خاطره‌نگاری تخصصی است که می‌تواند دانسته‌های محصورمانده در اذهان را از انحصار فایده‌مندی و کارکرد فردی‌شان خارج سازد و از آنها اطلاعات مفید برخوردار از کارکرد اجتماعی بسازد، به‌گونه‌ای‌که مایه غنای تاریخ و ارتقاء آگاهی اجتماعی قرار گیرند. مقاله کوتاه زیر تعریف و تناسبهای خاطره‌نگاری را در معرض خوانندگان قرار می‌دهد.

آیا خاطره‌نگاری، تاریخ شفاهی است؟ این مقاله درواقع پاسخ به این سوال را می‌جوید. برای رسیدن به این پاسخ بدون‌شک باید از تعاریف آغاز کنیم و تفکیک اجزای این تعاریف و تمایزاتشان را برشماریم تا درنهایت نتیجه بگیریم نسبت میان خاطره با تاریخ شفاهی چیست و در کجا شکل می‌گیرد.؟

تاریخ شفاهی: تاریخ شفاهی «Oral History» تکنیک، روش و شیوه‌ای است که با استفاده از ابزار و لوازم صوتی و تصویری، خاطرات، مشاهدات و مسموعات عامل (هدایت‌کننده، مجری و نقش‌آفرین) و شاهد یا حاضر یک صحنه، رویداد و واقعه تاریخی را در قالب کلام و سخن (گفت) ثبت و ضبط می‌نماید.

خاطره: خاطره همان تصاویر، اصوات، بو‌ها، مزه‌ها و حتی احساسات ناشی از بروز حوادث، رخدادها و وقایع زندگی است که در ذهن و خاطر انسان به یاد می‌ماند. به‌عبارتی خاطره عبارت است از آنچه در گذشته به یاد سپرده شده و امروز به یاد می‌آید. شیطنتها و بازیهای دوران کودکی، حل مسائل سخت ریاضی و هندسه در مدرسه، شرکت در اردوهای جمعی با همکلاسی‌های دوران دبیرستان و یافتن دوستان جدید، شنیدن اخبار تلخ و شیرین مانند خبر تولد فرزند و یا خبر مرگ عزیزی و... میلیون‌ها حادثه کوچک و بزرگ که انسان در خلق و به‌فعلیت‌رساندن آنها نقش دارد و یا از آنها شنیده و دیده است و نسبت به آن، احساسات و عکس‌العملی بروز داده است، همه‌وهمه یاد و خاطره هستند. به‌این‌ترتیب خاطره، درون‌ریخت‌های ذهنی انسان از فعلیت و عاملیت حوادث و یا مشاهدات، شنیده‌ها، احوال و احساسات او در خلق، تجربه و مواجهه با رخدادهایی را شامل می‌شود که در چرخه زندگی هر فرد و یا جامعه‌ای اتفاق می‌افتند. پس خاطره عبارت است از: محتویات ثبت و ضبط‌شده ذهنی (Memoir) از یادها و یادمان‌ها، از دیده‌ها، شنیده‌ها، کرده‌ها، چشیده‌ها و بوئیده‌های فرد در زمان پیش از امروز.

کارکردهای فردی و جمعی خاطره

یاد، یادمان و خاطره تا زمانی که در خاطر و ذهن فرد باشد، فقط دارای کارکرد فردی خواهد بود و هشداری به حال، آینده، دانش و تجربه‌ای فراروی آن فرد به حساب خواهد آمد که نتیجه و بازتاب آن مدتی طولانی در زندگی فردی و شخصی او باقی می‌ماند. آثار و نتایج رفتار و عکس‌العمل فرد در قبال خاطراتش حتی چنانچه به جمع نیز سرایت کند، باز هم آن خاطره محفوظ در ذهن و خاطر، واجد کارکرد فردی ــ اما در قبال جمع ــ خواهد بود. چنین خاطره‌ای تنها زمانی از کارکرد فردی و جمعی، توأمان برخوردار خواهد بود که قالب ذهن شکسته شود و یادمانها و خاطرات با روشها و متدهایی به تصویر کشیده و یا تقریر و تحریر شوند؛ وگرنه چنانچه رهیافتها و کارکردها تنها در حوزه عمل فرد باقی بمانند و جمع یا جامعه از آنها نصیبی نداشته باشند، آن‌گاه خاطره فقط حائز همان کارکرد فردی خواهد بود.

تصویرها، تقریرات و تحریرها از یادها و یادمانها، تنها زمانی از یک کارکرد عام برخوردار خواهند شد که در معرض قضاوت، تجربه و آزمون دیگران قرار گیرند. درواقع هر اندازه از رهیافت فردی خاطره کاسته شود و این وجه آن در برابر جمع ضعیف گردد، آن خاطره عمومیت بیشتری خواهد یافت. خاطره گرچه دارای خاستگاه فردی است، اما به‌خودی‌خود از قابلیت استفاده جمعی برخوردار است.

در این راستا اگر خاطره قادر به ارزیابی و تحلیل ابعاد وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گذشته باشد و در تعیین و مشخص‌کردن هویت جامعه و یا بخشی از آن موثر افتد و چراغی را فرا راه آیندگان برافروزد، درواقع تاریخ را رقم زده است. درواقع از این منظر است که خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاری، گونه‌ای تاریخ‌نگاری تلقی می‌گردد.

خاطره‌نویسی و گزارش خاطره

خاطره‌نویسی، گزارش خاطره (نه گزارش از خاطره) و خاطره‌نگاری، همگی برون‌ریختهای ذهنی حاصل از فعلیت یا عاملیت، مشاهدات، مسموعات، احوال و احساسات فرد در ارتباط با وقایع و حوادث پیرامونی زندگی وی در گذشته هستند؛ بااین‌تفاوت که در خاطره‌نویسی، صاحب خاطره خود شخصا به این برون‌ریخت اقدام می‌کند، یعنی شخصا دست به قلم می‌برد و محتویات ذهن خود را بر روی کاغذ می‌آورد. در این فرایند برون‌ریخت حول محور وجودی و فکری و شخصیتی صاحب خاطره صورت می‌گیرد. اما در گزارش خاطره گرچه همچنان تحریر انباشته‌های ذهن در میان است، ولی این تحریر حول محور وجود و هستی فرد شکل نمی‌گیرد، بلکه در اینجا گزارش‌دهنده، مشاهدات و شنیده‌های دیگران و خاطرات آنها از پدیده‌های پیرامونی را در عصر و حیات همزمانِ خود تحریر می‌کند، پدیده‌هایی که خود او در خلق و پدیدآمدن آنها هیچ نقش و تاثیری نداشته است؛ کماآنکه بیان و نوشته‌های ما در آینده از حادثه‌ای چون زلزله بم؛ به‌عنوان کسانی که در خلق و تغییر آن هیچ نقشی نداشته‌ایم و حتی از نزدیک صحنه‌های ویرانی و فلاکت و رنج مردم آن را ندیده‌ایم و برای کمک به آسیب‌دیدگان و مصدومان آن به آنجا نرفته‌ایم، فقط براساس یافته‌ها و داده‌هایی خواهد بود که از گفته‌ها و دیده‌های مصدومان حادثه و امدادگران و یا گزارشگران رسانه‌های جمعی به‌دست آورده‌ایم و لذا این نوشته‌ها در ردیف گزارش خاطره محسوب خواهند شد.

خاطره‌نگاری در ذیل تاریخ شفاهی

خاطره‌نویسی نباید با خاطره‌نگاری اشتباه شود، چراکه خاطره‌نویسی تحریری بلاواسطه از انبان ذهن می‌باشد اما خاطره‌نگار، صیادی است که خاطره، یاد و یادمان را از دریاچه و انباشت ذهن فرد یا افراد صید و استخراج می‌کند. در خاطره‌نگاری، خاطره‌نگار برون‌ریخت‌های ذهنی فرد را با مهارت و تخصصی که دارد به کمند قلم می‌کشد و به زیور طبع می‌آراید. خاطره‌نگاری اعم است از مصاحبه‌شونده، محقق یا مصاحبه‌گر و تدوین‌گر.

لذا خاطره‌نگاری، فارغ از این مولفه‌ها و نیز فارغ از نوع و جنس خاطره، آنجا که از حیث کارکرد جمعی به ارزیابی و تحلیل ابعاد وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... جمعی در گذشته می‌پردازد و خود بر هویت جامعه و یا بخشی از آن نور می‌تاباند و چراغ راه آینده می‌شود و در این عرصه از تکنیک مصاحبه، گفت‌وشنود و ابزار و لوازم صوتی و تصویری بهره می‌برد، بدین‌روی در ذیل تاریخ شفاهی (Oral History) قرار می‌گیرد.

تمایز خاطره با ادبیات

جایگاه خاطره‌نگاری ــ و نیز تاریخ شفاهی ــ در میان رشته‌های علوم انسانی، جایگاهی میان‌رشته‌ای است؛ یعنی در میان چند رشته اصلی غوطه می‌خورد و یا حد رابط و واصل چند رشته اصلی چون علوم سیاسی، علوم اجتماعی، علوم اقتصادی و ادبیات و... است و به فراخور ماهیت، کارکرد و هدف از هریک نصیبی دارد و ضمنا به هریک از آنها نصیبی می‌رساند ــ البته خاطره‌نگاری بیشترین نزدیکی و مجاورت را با ادبیات دارد که لازم است این تمایز مورد توجه قرار گیرد.

تمایز خاطره با ادبیات در معنا، هستی و دلالت آن نهفته است. خاطره معنا و هستی خود را از واقعیت درون‌ریختهای ذهنی و پدیده‌های پیرامونی حیات انسان می‌گیرد و چیزی میان حقیقت و بی‌حقیقتی محسوب می‌شود، اما ادبیات دلالت و هستی خود را از نیاز ذهن و درون انسان و جامعه برمی‌گیرد، نیازی که حقیقت است اما لزوما واقعیت نیست. محتوای خاطره بر واقعیت تکیه دارد اما درباره ادبیات این معیار لزوماً صدق نمی‌کند؛ به‌این‌معنا‌که ادبیات هرگاه با برقراری نظام فکری و روابط انسانی سروکار داشته باشد، واقعیت خواهد بود اما ممکن است از حقیقت برخوردار نباشد ولی آنگاه که حس و حال تخیلی و نگاه آرمانی به خود می‌گیرد، دیگر واقعیت نیست اما می‌تواند حقیقت داشته باشد. درحالی‌که خاطره هرچه باشد، واقعیتی است که بر انسان و جوامع، گذشته است و می‌توان تاریخ یک قوم و جامعه‌ را از محتوای آن استخراج کرد و هرگاه ادبیات به استخدام برقراری چنین نظام ارتباطی درآید، در خدمت گزارش واقعیت خواهد بود.

کارکردهای خاطره‌نگاری

با اشاره‌ای که به کارکرد فردی و جمعی خاطره شد، لازم است کارکردهای فرایند خاطره‌نگاری را اینچنین برشماریم؛

ـــ آزادسازی اطلاعات

ـــ انبوه‌‌سازی اطلاعات در پژوهشهای علوم انسانی

ـــ کشف زوایای پنهان و یافتن معانی جدید

ـــ بسترسازی برای نقد تاریخی و نقد پژوهشی

ـــ تهیه و تامین منابع تاریخ شفاهی و تاریخ کتبی

ـــ هویت‌بخشی به فرد و جمع

ـــ عبرت‌آموزی و ایجاد رهیافتهای نو برای حال و آینده

با توجه به این کارکردها و دقت در آنها قرارگرفتن خاطره‌نگاری در ذیل تاریخ شفاهی آشکار می‌گردد.